

با همبستگی و اتحاد خود، روز معلم را هر چه باشکوه‌تر برگزار کنیم



بر اساس فراخوان "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران"، روز پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت، "روز معلم" جمعیتی در برابر ادارات کل آموزش و پرورش (در مراکز استان‌ها) و ادارات آموزش و پرورش شهرستان‌ها از سوی معلمان برگزار می‌شود. شورای هماهنگی در اطلاعیه خود از تمامی شاغلان و بازنشستگان آموزش و پرورش خواست تا جهت پیگیری خواست‌های بر حق معلمان و در ادامه اعتراضات قبلی در این تجمعات اعتراضی شرکت کنند. فراخوان تجمعی که تاکنون با اعلام حمایت‌های متعددی از سوی

در صفحه ۳

نگ تن دادن به زندگی ذلت‌بار و برده‌وار را نباید پذیرفت

در صفحه ۱۰

آیا جمهوری اسلامی به مذاکره با آمریکا تن می‌دهد؟

جمله ویژگی‌های مهم توافق جدید مورد نظر دولت آمریکا با جمهوری اسلامی دانست. او همچنین گفت که در صورت دستیابی به چنین توافقی، کابینه ترامپ امیدوار است "توافق جدید را در قالب یک پیمان" در کنگره آمریکا به تصویب برساند.

یک روز بعد از اظهارات برایان هوک، حسن

در صفحه ۵

روز سه شنبه سوم اردیبهشت ماه جاری، برایان هوک، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران، در مصاحبه با شبکه تلویزیونی الحرة با اشاره به ۱۲ شرط آمریکا برای مذاکره با جمهوری اسلامی گفت: "اگر آنها می‌خواهند به میز مذاکره بازگردند، این خوب است". برایان هوک، برنامه هسته‌ای، موشکی و پایان دادن به بازداشت "خودسرانه" شهروندان آمریکایی را از

در صفحه ۲

این بار مردم سری‌لانکا قربانیان تروریست شدند

یکشنبه ۲۱ آوریل ۲۰۱۹، روز عید پاک مسیحیان، سه هتل لوکس و یک کلیسا در کلمبو، بزرگترین شهر سری‌لانکا و پایتخت تجاری این کشور و دو کلیسای دیگر در نگوامبو، (واقع در شمال کلمبو) و شهر بندری باتیکالوا، (واقع در شرق سری‌لانکا) مورد حملات تروریستی قرار گرفتند. در نتیجه این حملات بیش از ۲۵۰ تن کشته و ۵۰۰ نفر زخمی شدند. وزیر دفاع این کشور به پارلمان گفت که طبق

در صفحه ۶

اطلاعیه مشترک نیروهای چپ و کمونیست

در پشتیبانی از تجمعات اعتراضی سراسری معلمان ایران

در صفحه ۹

پیش بسوی برگزاری هرچه باشکوه‌تر مراسم اول ماه مه پیش بسوی تجمعات و اعتراضات خیابانی

در آستانه روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر ایستاده‌ایم. از هم اکنون می‌توان دید و احساس کرد که اول ماه مه امسال (۹۸) رنگ و بوی دیگری دارد. اول ماه مه، شور و شوق بسیار زیاد و شایان توجهی را در صفوف کارگران دامن زده است. تو گویی روز جهانی کارگر، خون تازه‌ای به رگ‌های طبقه کارگر ایران تزریق نموده است. روحیه اعتراض و مبارزه، فضا را انباشته است. فضا، فضای جدید و امیدبخشی است. عطر اتحاد و مبارزه، محیط‌های کارگری را پر کرده است. همه جا، حال و هوای اتحاد و همبستگی است. استواری، پیگیری و پیشتازی طبقه کارگر در مبارزه، امیدهای جدیدی را در دل تمام زحمتکشان و تهیدستان جامعه رویانده است.

این شور و اشتیاق، بمرغم شرایط اقتصادی و سیاسی دهشتناکی‌ست که طبقه حاکم بر کارگران تحمیل کرده است. طبقه سرمایه‌دار حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع این طبقه، با گسترش و افزایش بورش‌های پی در پی علیه طبقه کارگر و سطح معیشت کارگری و تحمیل دستمزدهای ناچیز چند برابر زیر خط فقر، خانوارهای

خجسته باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران



فعالین و هواداران
سازمان فدائیان
(اقلیت)
داخل کشور

در صفحه ۴

پیش بسوی برگزاری هرچه باشکوه‌تر مراسم اول ماه مه پیش بسوی تجمعات و اعتراضات خیابانی

کارگری را حتا از تامین مواد غذایی ضروری و خورد و خوراک معمولی ناتوان ساخته است. همپای رشد نرخ تورم و گرانی سرسام‌آور مایحتاج عمومی که سفره کارگران را روز به روز کوچکتر ساخته و فشارهای معیشتی را فوق‌العاده افزایش داده است، فشارهای سیاسی و اعمال قهر و سرکوب و خشونت نیز علیه کارگران افزایش یافته است. صدها کارگر پیشرو و فعال اعصاب و اعتراض کارگری، به مراکز امنیتی و دادگاه‌های ارتجاعی احضار شده، مورد بازجویی و محاکمه و ارباب و تهدید و بدرفتاری و حتا شکنجه قرار گرفته‌اند. ارتجاع حاکم برای مقابله با طبقه کارگر و جلوگیری از گسترش اعتصابات و اعتراضات خیابانی کارگران، علنا به شکنجه کارگران و اعتراف‌گیری‌های اجباری در زیر شکنجه متوسل شده است.

اما به‌رغم تمام فشارهای اقتصادی و سیاسی و یورش همه جانبه طبقه حاکم علیه طبقه کارگر، اعتراضات و اعتصابات کارگری گسترش یافته و جنبش طبقاتی و بالنده طبقه کارگر تکامل و اعتلاء یافته است. اتحاد و همبستگی و تجربه مبارزاتی، آگاهی سیاسی و سازمان‌یابی در صفوف کارگران رشد و ارتقاء چشمگیری یافته است. روحیه اعتراضی در صفوف کارگران بیش از پیش تقویت شده است. با این پیشینه و دستاوردهاست که طبقه کارگر امسال به استقبال اول ماه مه می‌رود.

طبقه کارگر ایران در شرایطی به استقبال اول ماه مه می‌رود که جامعه آستان دگرگونی‌ها و تحولات بزرگیست. تحولاتی که در مرکز ثقل آن، به زیرکشیدن ارتجاع حاکم و داغان کردن تمام نظم موجود قرار دارد. آمادگی برای اعتراض و مبارزه و روحیه اعتراضی در میان کارگران به میزان زیادی افزایش یافته است. همین‌که فراخوان سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در چهار اردیبهشت ۹۸، برای برگزاری اول ماه مه و تجمع در مقابل مجلس انتشار یافت، با استقبال کم نظیر کارگران روبرو شد. در فراخوان این سندیکا، از کارگران و زحمتکشان دعوت به عمل آمده که روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۹۸) در تجمع اعتراضی کارگران شرکت واحد مقابل مجلس شرکت کنند. در این فراخوان، سندیکای کارگران شرکت واحد، تمام رانندگان، کارگران تعمیرگاه‌ها، پرسنل اداری و خدماتی، کنترلین و بازنشسته‌های شرکت را برای برگزاری هر چه باشکوه‌تر اول ماه مه روز جهانی کارگر، به تجمع در مقابل مجلس فرا خوانده است. در این فراخوان گفته شده است "سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به خاطر گرمیادداشت روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت ۹۸) و در اعتراض به تعیین دستمزد زیر خط فقر، گرانی و تورم افسار گسیخته مایحتاج اولیه و معیشت کارگران، بازنشستگان و تمام مزدبگیران، ممانعت از ایجاد سندیکا و دیگر تشکلهای مستقل کارگری، خصوصی‌سازی و پولی‌سازی آموزش و پرورش، قراردادهای سفید امضاء، تبعیض و

نابرابری حقوق زن و مرد، افزایش بی‌رویه کودکان کار، بازداشت یا زندانی کردن کارگران و معلمان و دیگر فعالین صنفی که بخش عظیمی از کارگران و قشر فرودست جامعه را در بر می‌گیرد، در مقابل مجلس (میدان بهارستان) تجمع برگزار می‌کند."

این فراخوان که مورد استقبال گسترده کارگران و دیگر افشار زحمتکش قرار گرفت، بار دیگر ظرفیت و شایستگی طبقه کارگر در مقام رهبری و هدایت مبارزات توده‌های زحمتکش علیه نظم موجود را به اثبات رساند. علی‌رغم آن‌که در آستانه اول ماه مه نیروهای امنیتی تاکنون دست کم ۱۶ فعال کارگری را در تهران، ارومیه، سنجند و مریوان بازداشت و احضار نموده‌اند، اما کارگران مصمم‌اند در این روز مبارزات پرشوری را سازمان دهند و تا همین لحظه مراسم‌هایی را نیز به مناسبت اول ماه مه برگزار نموده‌اند.

یک روز بعد از انتشار فراخوان سندیکای کارگران شرکت واحد، گروه "اتحاد بازنشستگان" به فراخوان سندیکا لبیک گفت و با صدور اطلاعیه‌ای، ضمن حمایت از تجمع کارگران شرکت واحد، اعلام کرد یازده اردیبهشت (روز کارگر) در تجمع مقابل مجلس و روز ۱۲ اردیبهشت (روز معلم) در تجمع معلمان مقابل اداره کل آموزش و پرورش شرکت خواهد کرد. شایان ذکر است که "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان" طی فراخوانی اعلام نموده است روز ۱۲ اردیبهشت، در اعتراض به سیاست‌های رژیم حاکم از جمله پولی سازی آموزش پرورش و بازداشت و حبس فعالان جنبش اعتراضی معلمان، مقابل اداره کل آموزش و پرورش و نیز ادارات آموزش و پرورش شهرستان‌ها، تجمع اعتراضی برپا خواهد کرد.

بعد از گروه "اتحاد بازنشستگان"، دانشجویان نیز با انتشار اطلاعیه‌ای در شبکه‌های اجتماعی، خطاب به کارگران، معلمان و بازنشستگان، از فراخوان سندیکای کارگران شرکت واحد و تجمع در مقابل مجلس حمایت کردند. در این اطلاعیه گفته شده است "روز جهانی کارگر ما دانشجویان در همبستگی با کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، بیکاران، مزدبگیران و سایر گروه‌های تحت ستم، در یازده اردیبهشت ۱۳۹۸، برای بزرگداشت روز تاریخی کارگر و رساندن صدای اعتراض خود..." علیه وضع موجود "در مقابل مجلس گرد هم می‌آئیم و با تشکلهای مستقل کارگری همراه خواهیم شد". در این اطلاعیه، از دانشجویان برای شرکت در اول ماه مه و همراهی با کارگران دعوت به عمل آمده و چنین نوشته شده است "از تمام دانشجویان دانشگاه‌های کشور دعوت می‌کنیم تا با حضور خود بار دیگر اعلام کنیم "فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم" و فریاد اعتراض‌مان علیه ستم‌ورزی بر فرودستان را سر دهیم."

کمپنه هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری و "شورای بازنشستگان ایران" نیز با صدور اطلاعیه‌هایی ضمن حمایت از فراخوان

سندیکای کارگران شرکت واحد برای تجمع در مقابل مجلس و همچنین حمایت از فراخوان "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان" برای تجمع در مقابل ادارات آموزش و پرورش، کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، زنان، دانشجویان و سایر زحمتکشان را به شرکت در این تجمعات دعوت نموده و اعلام کرده‌اند که در این تجمعات شرکت خواهند کرد.

حامیان فراخوان سندیکای کارگران شرکت واحد و ابتکار عمل این سندیکا به عنوان یک تشکل واقعی و مستقل پیشرو کارگری و داوطلبان شرکت در تجمع اعتراضی به مناسبت اول ماه مه همچنان در حال افزایش است. هفتم اردیبهشت، هم زمان با انتشار بیانیه مشترک سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، گروه اتحاد بازنشستگان و کمپنه هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری به مناسبت اول ماه مه که در آن مطالبات کارگری فرمول‌بندی و انعکاس یافته همچنین بطور ویژه بر "فریاد حوق‌طلبانه کارگران علیه نظم سرمایه‌داری" و "پیام آزادی‌بخش اول ماه مه" تاکید شده است، اطلاعیه دیگری در حمایت از برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه و تجمع در مقابل مجلس انتشار یافت. این اطلاعیه که به امضاء "اتحاد سراسری بازنشستگان ایران"، "اتحادیه نیروی کار پروژه‌ای"، "بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی"، "بازنشستگان فلزکار - مکانیک" و "جمعی از کارگران صنف فلزکار و مکانیک" رسیده است، ضمن حمایت از فراخوان سندیکای کارگران شرکت واحد، از عموم کارگران شاغل و بیکار و بازنشسته دعوت به عمل آمده که مراسم مستقل اول ماه مه را در سراسر کشور هر چه باشکوه‌تر برگزار نمایند.

روند حمایت از فراخوان سندیکای کارگران شرکت واحد، دعوت از کارگران به برگزاری مراسم اول ماه مه، شور و شوق مبارزه و سرانجام روحیه مبارزاتی کارگران برای حضور در کف خیابان و اعتراض به نظم موجود در حال افزایش است. در آستانه اول ماه مه، همه جا نارضایتی شدید کارگران از وضع موجود و روحیه مبارزه برای درگیر شدن با نظم حاکم موج می‌زند. خیابان‌ها و میدانی و جاده‌ها برای استقبال گرم از طبقه کارگری که همه افشار زحمتکش و فرودست جامعه بر گرد آن حلقه زده‌اند، آغوش گشوده است. طبقه کارگری که با برافراشتن پرچم نان، کار، آزادی و اداره شورایی، در یک مبارزه طبقاتی جانانه، آینده روشن و تابناکی را فراروی جامعه قرار داد. طبقه کارگری که بدیل شورایی خود و حاکمیت شوراها را در برابر نظم موجود قرار داد و طبقه حاکم را به چالش کشید و نشان داد که این اوست که در راس همه جنبش‌های اعتراضی و در راس جنبش سرتاسری بابستی نقش و رسالت خود را در براندازی نظم موجود و استقرار نظم شورایی و سوسیالیستی ایفا کند.

اول ماه مه، روز جهانی کارگر موقعیت مناسب دیگری است که طبقه کارگر با خواست‌های اخص خویش و با خواست کار، نان، آزادی و حاکمیت شوراها که بیان فشرده خواست‌های عموم کارگران و زحمتکشان و تهیدستان است، پرچم مستقل و طبقاتی خود را برافرازد و جنبش

با همبستگی و اتحاد خود، روز معلم را هر چه باشکوه‌تر برگزار کنیم



معیشتی معلمان داشت.

گسترش خصوصی سازی در آموزش و تبدیل مدارس به دکانی برای کسب سود توسط سرمایه‌داران یکی دیگر از سیاست‌های جمهوری اسلامی است که برخلاف خواست‌های معلمان برای بهبود وضعیت آموزشی و رایگان شدن واقعی آموزش، در این سال‌ها رونق زیادی یافته و منجر به محروم شدن گروه بزرگی از کودکان کارگران و دیگر ستمدیدگان جامعه بویژه در مناطق محروم و حاشیه شهرها شده است.

براساس آمار منتشره از سوی بانک جهانی که البته استخراج شده از آمارهای دولت جمهوری اسلامی است، ۱۵ درصد از دانش‌آموزان دوره متوسطه کشور در مدارس غیردولتی درس می‌خوانند. در آذربایجان شرقی بیش از ۴ هزار مدرسه از حدود ۹ هزار مدرسه غیر دولتی هستند. براساس آمار بانک جهانی خصوصی‌سازی مدارس در ایران با سرعتی بالا در حال انجام است.

سرعت خصوصی سازی آموزش و درست برخلاف خواست‌های معلمان در بودجه سال ۹۸ افزایش شدیدی یافته است. براساس این بودجه، دولت از ابتدای سال تحصیلی ۹۸ - ۹۹ سالانه ۱۰ درصد از دانش‌آموزان تحت پوشش وزارت آموزش و پرورش (مدارس دولتی) را به صورت خرید خدمات از بخش غیردولتی در خواهد آورد. به گفته‌ی حاجی بابایی نماینده مجلس "اگر سالانه ۱۰ درصد دانش‌آموزان تحت پوشش طرح خرید خدمات آموزشی از بخش خصوصی قرار بگیرند، در طول ۹ سال باید کل آموزش و پرورش را به بخش خصوصی بدهیم".

نتیجه این طرح که در بودجه سال ۹۸ به این شکل مصوب شده است چیزی جز فاجعه نخواهد بود. اول این‌که کیفیت آموزش در این مدارس به شدت پایین خواهد آمد. دومین مساله که براساس تجارب سال‌های گذشته است، استفاده از معلمان به اصطلاح خرید خدمت با حقوق ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان است. این مساله در صحبت‌های روحانی در جریان ارائه لایحه بودجه نیز کاملاً مشخص بود. آن‌جا که وی گفت "دولت برای هر دانش‌آموز چهار میلیون تومان هزینه می‌کند، در حالی که اگر دولت این خدمت را از مردم (بخوان پیمانکار و سرمایه‌دار) بخرد، مردم خودشان این کار را با حداکثر یک میلیون تومان انجام می‌دهند". معنای سخنان روحانی، این نماینده هار و کثیف طبقه سرمایه‌دار ایران چیزی جز کاهش کیفیت آموزش، پولی کردن مدارس

در صفحه ۴

یکسال اخیر برگزار کردند. واقعیت این است که این اعتراضات خاموش شدنی نیست و علت آن نیز بیش از هر چیز به دلیل بستر عینی این اعتراضات است، واقعیتی که معلمان را برای تغییر وضعیت موجود به تلاش برانگیخته است. نگاهی به وضعیت معیشتی معلمان و آموزش کشور این واقعیت را اثبات می‌کند. واقعیتی که به ما می‌گویند باید تغییراتی اساسی در نظم موجود صورت گیرد. واقعیتی که در بیانیه "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران" نیز که به مناسبت این روز و در بیان علل و خواست‌های تجمع اعتراضی ۱۲ اردیبهشت آمده، کاملاً هویدا است.

بیانیه شورای هماهنگی با اشاره به تورم کم‌رشد و گرانی‌ها که معلمان و اکثریت بسیار بزرگ دانش‌آموزان را که از خانواده‌های کارگری و زحمتکش جامعه هستند، به فقر کشانده است، دیگر خواست‌های معلمان از جمله پایان دادن به خصوصی‌سازی مدارس، بهینه‌سازی آموزش در مدارس، حق تشکیل‌یابی مستقل، بیمه کارآمد، دفاع از حقوق معلمان بخش خصوصی، آزاد و خرید خدمت و اجرای مصوبه نظام پرداخت هماهنگ حقوق را مطرح کرده است.

به‌طور کلی می‌توان خواست‌های معلمان را به سه دسته تقسیم کرد.

اولین دسته حق تشکیل‌یابی و حق اعتصاب و اعتراض است که آزادی معلمان زندانی نیز در این دسته می‌گنجد. جمهوری اسلامی در طول این سال‌ها هرگز پاسخی به این خواست برحق معلمان نداده است و سال ۹۷ نیز یک نمونه آشکار از تداوم این سیاست‌ها در نظام جمهوری اسلامی است. ایجاد مانع و محدودیت در برابر فعالیت تشکلهای صنفی فرهنگیان، دستگیری و زندانی کردن معلمان همچون محمد حبیبی به جرم فعالیت در راستای خواست‌های برحق معلمان و سازماندهی اعتراضات معلمان همگی نمونه‌های آشکاری هستند که نشان می‌دهد مبارزات معلمان نه تنها منجر به تغییری در این سیاست جمهوری اسلامی نشده، بلکه حتی جمهوری اسلامی وقیحانه‌تر از گذشته به سرکوب معلمان پرداخته است.

وضعیت معیشتی معلمان نیز مانند دیگر زحمتکشان جامعه سال از پی سال بدتر می‌شود. سال ۹۷ به‌رغم تمام اعتراضات معلمان برای دریافت حقوقی بالاتر از خط فقر، نه تنها این خواست بر حق معلمان از سوی رژیم بی‌پاسخ گذاشته شد، بلکه با افزایش ۱۸ درصدی حقوق سال ۹۸ نسبت به سال ۹۷ آن‌هم در حالی که نرخ تورم چند برابر این رقم بود، معلمان را به فقری بیشتر و حتی گرسنگی محکوم کرد. افزایش ۱۸ درصدی حقوق معلمان ثابت کرد که دولت سرمایه‌داری ایران تا چه حد نسبت به وضعیت معیشتی معلمان بی‌تفاوت است و بنابراین نباید انتظاری از حکومت برای بهبود وضعیت

گروه‌های بازنشستگان، کارگران و فعالین کارگری همراه شده است.

۱۲ اردیبهشت "روز معلم" یادآور کشته شدن معلم جان‌فشان ابوالحسن خانعلی در تجمع اعتراضی معلمان در میدان بهارستان در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ است. یک روز پس از این جنایت رژیم شاهنشاهی، بزرگترین تظاهرات ضد سلطنتی بعد از کودتای سال ۳۲ با حضور معلمان و دیگر گروه‌های اجتماعی در مراسم به خاکسپاری ابوالحسن خانعلی برگزار شد. چند روز بعد معلمان با اعلام ۱۲ اردیبهشت به‌عنوان روز معلم، این روز را در تقویم مبارزاتی کارگران و زحمتکشان ایران به عنوان "روز معلم" به ثبت رساندند. روزی که معلمان برای دستیابی به خواست‌های برحق خود به پا خاسته و در راه رسیدن به آن جانفشانی کردند.

از آن روز تا امروز که بیش از نیم قرن می‌گذرد، هیچ‌کدام از دولت‌های سرمایه‌داری ایران به خواست‌های معلمان پاسخی نداده که نتیجه آن تداوم مبارزات معلمان در طول این سال‌هاست.

واقعیت تلخ‌تر اما این است که در طول بیش از نیم قرن، هم وضعیت معیشتی معلمان بدتر شده است و هم وضعیت آموزشی کشور. بر بستر این واقعیت است که در سال‌گذشته پیشروترین بخش‌های معلمان ۳ اعتصاب پرشکوه سراسری را سازمان دادند، به گونه‌ای که حتی در برخی از شهرها بخش بزرگی از معلمان به اعتصاب پیوسته و اغلب مدارس در این شهرها (هر چند انگشت‌شمار) عملاً تعطیل شدند. جدا از اعتصابات سراسری، معلمان بارها در طول سال دست به تجمعات اعتراضی زدند. در اصفهان تجمع پرشکوه معلمان با حضور بسیار پر رنگ معلمان زن با حمله وحشیانه ماموران سرکوبگر رژیم به صفوف معلمان دردمند و زحمتکش همراه شد که به سوی معلمان حتماً گاز اشک‌آور پرتاب کردند.

به‌رغم اعتراضات متعدد معلمان در سال‌های اخیر، دولت سرمایه‌داری حاکم نه تنها به خواست‌های برحق معلمان که علاوه بر خواست‌های معیشتی معلمان، خواست‌های میلیون‌ها کودک و والدین آن‌ها را نیز در برمی‌گیرد، پاسخی نداده است، بلکه همان‌طور که در بالا آمد، در عمل با ایجاد جو خفقان و حمله وحشیانه به تجمعات اعتراضی معلمان و بازداشت و به زندان انداختن معلمان، سعی در خاموش ساختن صدای اعتراض معلمان داشته است، تلاش سرکوبگرانه و وحشیانه‌ای که هرگز نتوانست صدای معلمان زحمتکش کشور را خاموش سازد.

برای نمونه پس از حمله وحشیانه به تجمع سال گذشته معلمان در تاریخ ۲۰ اردیبهشت در برابر سازمان برنامه و بودجه و به زندان انداختن محمد حبیبی از سازمان‌دهندگان اعتراضات معلمان، معلمان نه تنها عقب ننشستند، بلکه اعتصابات و اعتراضاتی باشکوه‌تر در طول

با همبستگی و اتحاد خود، روز معلم را هر چه باشکوه‌تر برگزار کنیم

تحت عناوین مختلف و کاهش حقوق معلمان نیست. این نماینده وقیح طبقه سرمایه‌دار در حالی این سخنان را بر زبان می‌آورد که سرانه دانش‌آموزان در ایران بسیار پایین‌تر از حتی کشورهای منطقه و یکی از پایین‌ترین سرانه‌های دانش‌آموزان در کل جهان است. براساس آمار سازمان "همکاری‌های اقتصادی و توسعه" میانگین سرانه دانش‌آموزی در ایران (با توجه به نرخ واقعی دلار) تنها ۲۰۰ دلار است و این رقم برابر است با سرانه دانش‌آموزان در کشورهای فقیر آفریقا. آن وقت روحانی می‌خواهد همین مبلغ را هم به یک چهارم (یک میلیون تومان از چهار میلیون تومان کنونی) تبدیل کند. این در حالی‌ست که سرانه دانش‌آموزی در کشوری مانند ترکیه ۳۵۸۹ دلار است، در آمریکا کشوری که از آن به عنوان بهشت سرمایه‌داران نام برده می‌شود سرانه دانش‌آموزی ۹۳۱۳ دلار است!!! در حالی که در ایران سهم آموزش و پرورش از تولید ناخالص ملی حتی به نچهارصد هم نمی‌رسد، در کوبا برای نمونه سهم آموزش از تولید ناخالص ملی ۱۲ درصد است!!!

جالب آن‌که دولت حتی همین میزان سرانه دانش‌آموزی را نیز نمی‌پردازد. به‌گفته رضا مسلمی (از فعالان صنفی معلمان)، اگر یک لامپ بسوزد، مدیر مدرسه پولی برای تعویض آن ندارد!!! از همین رو هم اکنون در مدارس دولتی چیزی به نام "مشارکت" مد شده است که والدین دانش‌آموزان در عمل مجبور می‌شوند تا تحت عنوان "مشارکت" اغلب هزینه مدارس به غیر از حقوق معلمان را پرداخت کنند.

نتیجه این سیاست برجسته ترشدن خصلت طبقاتی نظام آموزشی در ایران است. این سیاست واقعی جمهوری اسلامی است که سال به سال گسترش می‌یابد و درست برخلاف خواست معلمان.

بنابراین نه تنها هیچ اراده‌ای در جمهوری اسلامی برای پاسخ‌گویی به خواست‌های معلمان وجود ندارد، بلکه نتیجه عملی سیاست‌های جمهوری اسلامی درست در جهت مخالف خواست‌های معلمان است. از همین‌رو به‌طور واقعی تنها یک راه برای معلمان وجود دارد و آن گسترش مبارزه و اتحاد با دیگر زحمتکشان جامعه و در راس همه آن‌ها طبقه کارگر، برای تغییر وضعیت موجود و تحقق شعار کار، نان، آزادی است. این تنها راه واقعی در برابر معلمان، دانش‌آموزان و والدین آن‌هاست. به همین منظور ۱۲ اردیبهشت امسال را باید به روزی بزرگ در تاریخ مبارزاتی معلمان و زحمتکشان ایران تبدیل کرد. روزی که معلمان و بازنشستگان در کنار هم آن را رقم خواهند زد. روزی که دیگر متحدان معلمان باید در کنار آن‌ها قرار بگیرند. روزی که باید این سخنان صمد بهرنگی معلم آگاه و نویسنده "ماهی سیاه کوچولو" را آویزه گوش کرد: "همه‌اش که نباید ترسید، راه که بیافتم ترسان می‌ریزد". راه صمد راه ماست، صمد معلم ماست.

خجسته باد اول ماه می، روز همبستگی جهانی کارگران

اول ماه می (یازده اردیبهشت) روز همبستگی بین‌المللی کارگران جهان فرا رسیده است. در این روز کارگران همه‌ی کشورها در سراسر جهان دست از کار میکشند، چرخ تولید را متوقف می‌سازند و با برپایی تظاهرات و راهپیمایی و جشن و سرور، اتحاد و همبستگی خود را در مبارزه علیه سرمایه بنمایش می‌گذارند.

کارگران مبارز!

امسال ما کارگران ایران در شرایطی به پیشوا اول ماه می می‌رویم و این روز را جشن می‌گیریم که نظام سرمایه داری حاکم همچنان در چنگال یک بحران عمیق اقتصادی گرفتار است. طبقه سرمایه دار حاکم ورژیم جمهوری اسلامی که پاسدار منافع این طبقه است، در طول چهار دهه حاکمیت خود با استثمار وحشیانه‌ی کارگران، سودهای کلان و هنگفتی را به جیب زده و بر سود و سرمایه‌ی خود افزوده‌اند. طبقه حاکم و رژیم سیاسی آن در هر شرایطی حتی در شرایطی که کارگران و زحمتکشان چندین استان در سراسر کشور دچار سیل‌زدگی شده و آسیب‌های جدی دیده‌اند، تنها در فکر سودورزی و سرمایه‌اندوزی هستند. رژیم ضدردمی جمهوری اسلامی که خود از مسببین اصلی خرابی‌های گسترده و مصائبی‌ست که سیل‌بیار آورد، نه فقط حاضر نشد به مردم زحمتکش و سیل‌زده یاری برساند و از محل ثروت‌های اجتماعی که بر آن چنگ انداخته، اما در اساس متعلق به خود کارگران و زحمتکشان است به آنان کمک کند، بلکه میکوشد از شرایط به غایت اسف‌بار تحمیل شده بر مردم سیل‌زده و نیازمندی که هستی خود را از دست داده‌اند، با اعطاء وام یا بهره‌های کلان، برسود و سرمایه‌ی سرمایه‌داران بیافزاید. از این روست که فاجعه سیل را "نعمت و برکت الهی" می‌دانند.

کارگران و زحمتکشان!

دراثر تعرضات پی‌درپی طبقه حاکم علیه سطح زندگی و معیشت طبقه کارگر، کارگران ایران در اسف‌بارترین شرایط اقتصادی و معیشتی قرار گرفته‌اند. دستمزدهای زیرخط فقر، کاهش مداوم دستمزدهای واقعی، تورم و گرانی، اخراج‌های فردی و دسته‌جمعی، بیکاری و نبود ضمانت شغلی، زندگی کارگران را در اعماق فقر شدید و در معرض تباهی قرار داده است. سرکوب و اختناق و بی‌حقوقی تشدید شده است. بازداشت گسترده کارگران پیشرو، احضار و محاکمه کارگران و فعالان کارگری و سندیکایی و پرونده‌سازی علیه آن‌ها افزایش یافته است.

کارگران و زحمتکشان!

راهی جز اعتصاب و اعتراض و تشدید مبارزه متشکل علیه نظم موجود باقی نمانده است. لذا ما کارگران در اول ماه می با شعار کار، نان، آزادی - حکومت شورایی برای تحقق خواست‌های سیاسی و صنفی خود به خیابان‌ها می‌آیم تا مطالبات به حق خود را از گلوئی سرمایه‌داران زانو صفت بیرون بکشیم. ما فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) داخل کشور با حمایت مجدانه از مبارزات کارگران و فراهوان سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران برای تجمع روز چهارشنبه اول ماه می (یازده اردیبهشت) در مقابل مجلس، به استقبال اول ماه می می‌رویم و همه کارگران را به اتحاد و مبارزه علیه نظم موجود فرا می‌خوانیم. تنها اتحاد و همبستگی کارگران در مبارزه علیه سرمایه‌داران و دولت آنها ضامن پیروزی طبقه کارگر است.

زنده باد اول ماه می

زنده باد اتحاد و همبستگی جهانی کارگران علیه سرمایه
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور
هشتم اردیبهشت ۱۳۹۸



آیا جمهوری اسلامی به مذاکره با آمریکا تن می‌دهد؟

روحانی در جلسه هیات دولت با یک واکنش به ظاهر تند، اعلام آمادگی آمریکا برای مذاکره با ایران را گامی تبلیغاتی دانست و در این رابطه گفت: " بدون تردید قبول خواسته فرد چاقوکشی که به زور و به دروغ به دنبال مذاکره است، مطمئناً به جایی نخواهد رسید و ما با فرد چاقوکش و فرمول چاقو کشی مذاکره نمی‌کنیم و قبول چنین مذاکره‌ای به معنای ذلت و تسلیم است." روحانی، همچنین برای خنثا کردن تأثیرات تبلیغاتی موضع ترامپ و کابینه اش در مورد مذاکره با جمهوری اسلامی که طی ماه‌های گذشته دولت آمریکا به طرق مختلف آن را تکرار کرده است، گفت: "اصلاً چنین نیست که برخی تبلیغ می‌کنند طرف آمریکایی برای مذاکره آمادگی دارد؛ آمریکا اصلاً برای مذاکره آمادگی ندارد و اعمالی که انجام می‌دهد برای شکست ملت ایران است و قصد دارد دمرتبه به ایران بازگردد." روحانی، البته برای اینکه خود را خلع سلاح نکند و تمام راه‌های منتهی به مذاکره را نبندد، در لابلای واکنش تند و تهدیدآمیزش یک سیگنال دیپلماتیک هم به طرف مقابل داد و گفت: "ما همواره مرد مذاکره و دیپلماسی بوده‌ایم همان طوری که مرد جنگ و دفاع هستیم، مذاکره در صورتی میسر است که همه فشارها برداشته شده، از اقدامات غیرقانونی خود عذر خواهی کنند و احترام متقابل وجود داشته باشد."

علاوه بر این سیگنال حسن روحانی، جواد ظریف، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز که این روزها برای یک سری تماس‌های دیپلماتیک و سخن رانی در اجلاس چند جانبه گرایبی و دیپلماسی در نیویورک به سر می‌برد، در پاسخ به سؤال خبرنگاران در خصوص موضع آمریکا در مورد مذاکره با ایران، گفت: "آمریکا مذاکره‌کننده معتبری نیست." البته ظریف نیز در جریان همین سفر خود، بی‌مقدمه و با زبانی دیگر از پیشنهاد ۶ ماه پیش خود به دولت آمریکا مبنی بر مبادله زندانیان آمریکایی و ایرانی پرده برداشت. او در عین حال گفت که دولت آمریکا تاکنون به این پیشنهاد او هیچ واکنشی نشان نداده است.

موضوع مذاکره میان آمریکا و جمهوری اسلامی، از جمله موضوعاتی است که طی ماه‌های گذشته به دفعات از طرف دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، مایک پمپئو، وزیر امور خارجه و برابان هوک، نماینده ویژه این کشور در امور ایران تکرار شده است. رئیس‌جمهور آمریکا، تاکنون چندین بار اعلام کرده است، که آنها [دولت ایران] دیر یا زود به میز مذاکره بر می‌گردند. ترامت پیشتر نیز از آمادگی خود برای مذاکره مستقیم و بدون قید و شرط با جمهوری اسلامی خبر داده بود. لازم به گفتن نیست که هیچ مذاکره و مذاکراتی یک‌جانبه پیش نخواهد رفت. اگر کابینه ترامپ مدام سنگ مذاکره را بر سینه می‌کوبد، طرف دیگر این معادله اما جمهوری اسلامی است که دست کم تا این لحظه مخالف هرگونه مذاکره با آمریکا است. خامنه‌ای اگرچه همواره بر عدم مذاکره با آمریکا پای فشرده است، در عوض موضع

روحانی اما به استثنای اسرائیل، "تعامل" با بقیه کشورهای جهان است. حسن روحانی و کابینه اش به رغم واکنش‌های تند و تیزی که بعضاً در ظاهر بیان می‌کنند، اغلب نگاهی دیپلماتیک هم به مذاکره با آمریکا داشته و دارند. مذاکراتی که از نظر روحانی لازمه اش "فراهم شدن شرایط" است. بنابراین از نظر کابینه روحانی و حتی هیات حاکمه ایران نفس مذاکره با آمریکا دست کم در سال‌های گذشته هرگز منتفی نبوده است. آنچه از نظر مسئولان جمهوری اسلامی ابتدا به ساکن لازمه پذیرش مذاکره با آمریکا است، همانا "فراهم شدن شرایط" مناسب است. این "شرایط" بی‌تردید در یک موقعیت کاملاً بحرانی که مسئله بقاء و نبود جمهوری اسلامی مطرح باشد، می‌تواند در اندک زمانی با نگاه توجیهی و تبعیت از سیاست کلان "مصلحت نظام" حتی خامنه‌ای را نیز به پای میز مذاکره بکشاند.

هیات حاکمه ایران تاکنون در دو مقطع تاریخی که بود و نبود نظام برایش مطرح بوده است، به ناچار تن به تصمیماتی داده است که تا روزهای پیش از آن، اساساً کسی فکر نمی‌کرد که این نظام به اتخاذ چنین تصمیماتی متضاد با شعارها و ملاک‌های ایدئولوژیک خود تن در دهد. تصمیم اول، خاتمه دادن به جنگ ارتجاعی هشت ساله میان ایران و عراق و پذیرش قطعنامه صلح سازمان ملل بود. در ۲۹ تیر ماه ۶۷، خمینی در مقابل چشمان شگفت زده جهانیان در تلویزیون جمهوری اسلامی ظاهر شد و با چهره‌ای متغلب، عصبی و درهم شکسته پایان جنگ و پذیرش قطعنامه صلح سازمان ملل را به مثابه "نوشیدن جام زهر" پذیرفت. خمینی و هیات حاکمه ایران در شرایطی به صلح با صدام تن دادند، که تا روزهای قبل از آن، جامعه لبریز از شعارهای جنگی بود. خمینی در هر سخنرانی خود شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" را سر می‌داد، برای هر جمعی که به حضورش می‌رفتند، می‌گفت، "اگر جنگ بیست سال هم طول بکشد، ما مرد جنگیم" و پیوسته تکرار می‌کرد، "راه قس از کربلا می‌گذرد". اما همه این ادعاها به تبعیت از اصل حیاتی "مصلحت نظام" به سرعت برق و باد در عرض یک هفته فرو ریخت و او با سرشکستگی برای "حفظ نظام" جام زهر را سر کشید.

برهه زمانی دوم، اعلام آمادگی هیات حاکمه ایران برای مذاکره جهت پایان دادن به بحران پرونده هسته‌ای بود. در این دوره نیز جمهوری اسلامی با وضعیتی کاملاً بحرانی مشابه پایان جنگ ارتجاعی هشت ساله مواجه شده بود. بحرانی چنان ژرف و عمیق که موجودیت جمهوری اسلامی عمیقاً تحت تأثیر بحران هسته‌ای میان ایران و شش قدرت جهانی قرار گرفته بود. اینبار نیز وقتی هیات حاکمه جمهوری اسلامی با موضوع مرگ و زندگی مواجه شد، به ناچار با یک پشتک وارو زدن خامنه‌ای آن هم تحت عنوان "نرمش قهرمانانه" چهره عوض کرد. همه شعارها و ادعاهای هسته‌ای مسئولان نظام به یکباره رنگ باخت. درست زمانی که جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگری روی تداوم سیاست هسته‌ای خود گرد و خاک بلند می‌

کرد، مسئولان نظام به پای میز مذاکره با کشورهای پنج بعلاوه یک رفتند. نشست‌ها و مذاکراتی که آمریکا نقش آفرین اصلی آن بود و سرانجام پس از دو سال به توافق "برجام" انجامید. توافقی که جمهوری اسلامی با لغو تحریم‌ها و دست‌یابی به حجم کلانی از دلارهای بلوکه شده، دست کم برای چند سال از آن شرایط بحرانی مرگ و زندگی خارج شد. اکنون یک سال است که آمریکا از "برجام" خارج شده است. با خروج ترامپ از "برجام" و بازگشت تحریم‌های اولیه و ثانوی آمریکا علیه جمهوری اسلامی، اینک از این توافق تابوتی بیش‌باقی‌نمانده است. گسترش تحریم‌ها، گنجاندن سپاه پاسداران در لیست سازمان‌های تروریستی و عدم تمدید معافیت‌های نفتی برای هشت کشور خریدار نفت جمهوری اسلامی، هم اینک شرایط وخامت‌باری را برای طبقه حاکم رقم زده است.

جمهوری اسلامی اکنون از هر طرف در تنگناست. در داخل با موجی از اعتراضات توده‌ای مواجه است. مردمی که مدام سرکوب شده‌اند و طی سال‌های متمادی کمترین پاسخی به مطالبات برحق‌شان داده نشده است، به اعتراضات علنی روی آورده‌اند. فقر و فلاکتی روزافزون بر گلوی کارگران و عموم توده‌های زحمتکش چنگ انداخته است. شرایط زندگی برای عموم مردم ایران آن چنان تیره و تار شده است که وضعیتی همانند آتش زیر خاکستر بر جامعه حاکم است. وضعیتی که عموم مردم ایران را به مرز انفجار رسانده و هر لحظه در انتظار روزنه‌ای برای اعتراض و عصیانند.

در بیرون از مرزها نیز جمهوری اسلامی به لحاظ پیشبرد سیاست توسعه طلبانه و پان‌اسلامیستی خود اکنون بیش از هر زمان دیگری تحت فشار است. هم‌اینک بجز عراق و ترکیه همه کشورهای منطقه در موضع دشمنی با جمهوری اسلامی قرار دارند، دوستی سوریه نیز بجز صرف میلیاردها دلار هزینه از جیب توده‌های مردم ایران، هیچ‌گرمی از معضل فرو بسته جمهوری اسلامی باز نمی‌کند. دو کشور چین و روسیه نیز به رغم تعاملات سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای که با جمهوری اسلامی دارند، منافع اصلی‌شان همواره در تعامل با آمریکا گره خورده است. اکنون با عدم تمدید معافیت‌های نفتی و اعمال فشار حداکثری برای به صفر رساندن صدور نفت ایران، کشورهای دوست جمهوری اسلامی نیز از وضعیت بوجود آمده متضرر شده و تا حدودی در تنگنای تحریم‌ها قرار گرفته‌اند. وضعیت بوجود آمده فشار مضاعفی را بر جمهوری اسلامی جهت تغییر سیاست خارجی اش فراهم کرده است. در این عرصه فقط دولت آمریکا نیست که خواهان تغییرات اساسی در سیاست پان‌اسلامیستی جمهوری اسلامی در سطح منطقه است. در داخل کشور نیز علاوه بر کارگران و عموم توده‌های مردم ایران که در هر اعتصاب و اجتماعی با سردادن شعار "سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن" اعتراض خود را نسبت به پیشبرد این سیاست اعلام کرده‌اند، علاوه بر این، بخشی از نیروهای درون حاکمیت نیز نسبت به سیاست خارجی رژیم نظر مساعدی ندارند. لذا، مجموعه وضعیت پیش‌آمده اوضاع را برای هیات حاکمه

این بار مردم سری لانکا قربانی اسلام‌گرایان تروریست شدند

"تحقیقات اولیه" این حملات انتقامجویانه به علت حمله به دو مسجد در نیوزیلند در ماه مارس بود که در نتیجه آن ۵۰ نفر کشته و تعدادی زخمی شدند. پیش از آن که داعش مسئولیت این ترورهای مرگبار را بر عهده گیرد، دولت سری لانکا ابتدا یک گروه اسلام‌گرا به نام "جماعت ملی توحید" را عامل حملات معرفی کرد، اما در عین حال وزیر بهداشت این کشور گفت که یک گروه محلی نمی‌تواند بدون ارتباط‌های بین‌المللی چنین ترورهایی را انجام دهد. هرچه باشد، این اقدام وحشیانه توسط اسلام‌گرایانی صورت گرفت که جز کشتار و بیرحمی، قتل عام انسان‌های غیر نظامی و بی دفاع، کاری از آنها ساخته نیست.

پس از این عملیات تروریستی روشن شد که از ۴ آوریل سازمان‌های اطلاعاتی هندوستان و آمریکا، هشدارهایی درباره احتمال حمله داده بودند، اما اکنون روشن شده با وجود اطلاع سیرینسا، رئیس‌جمهور، به این هشدارها توجهی نشده بود. نخست‌وزیر، ویکرماسینگه نیز مدعی است در جریان این هشدارها قرار نداشته است.

در اکتبر سال گذشته، سیرینسا (رهبر حزب آزادی سری لانکا)، ویکرماسینگه (رهبر حزب متحد ملی) را به اتهام سوءقصد علیه خود برکنار کرد و راجاپاکسا را به جای وی به عنوان نخست‌وزیر معرفی کرد. اما از آنجایی که راجاپاکسا نمی‌توانست فوری اکثریت لازم برای تشکیل کابینه را به دست آورد، سیرینسا، فرمان انحلال پارلمان و برگزاری انتخابات زود هنگام در اوایل ژانویه ۲۰۱۹ را صادر کرد. "حزب متحد ملی" نیز ائتلاف جدیدی از احزاب مخالف تشکیل داد و خواهان ابقای ویکرماسینگه شد. این اختلاف به دیوان عالی کشیده شد و این دیوان حکم انحلال پارلمان و برگزاری انتخابات زود هنگام را لغو کرد. در نتیجه پارلمان با اکثریت آراء، به رئیس‌جمهور رأی عدم اعتماد داد که رئیس‌جمهور هم با استناد به حکم انحلال پارلمان آن را پذیرفت. ویکرماسینگه از ماه دسامبر به سر پست خود برگشت، اما از آن زمان تاکنون پارلمان این کشور فلج شده و عدم توجه به هشدارهای امنیتی یکی از پیامدهای جنگ قدرتی تلقی می‌شود که میان نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور این کشور در جریان است.

حزب متحد ملی سیرینسا و حزب آزادی سری لانکا رقبای دیرینه‌ای بودند که در انتخابات ۲۰۱۵ ائتلافی برای پیروزی در کارزار انتخاباتی با شعارهایی چون "مبارزه با فساد" و محاکمه راجاپاکسا به اتهام جنایات جنگی طی سالیان جنگ داخلی در سری لانکا دادند. هرچند سیرینسا، خود طی این سال‌ها وزیر بهداشت راجاپاکسا و دبیرکل حزب آزادی سری لانکا بود. راجاپاکسا در سال ۲۰۰۵، با وعده پایان بخشیدن به جنگ ۲۶ ساله داخلی، ایجاد اشتغال، آموزش رایگان و تأمین اجتماعی فقرا بر سر کار آمد. وعده‌هایی که اکثر آن‌ها تحقق نیافتند. به جای آن، در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵، بسیاری از حقوق دمکراتیک مردم نقض شد. به جز پیگرد تأمیلی‌ها، آزادی بیان محدود گشت، بسیاری از روزنامه‌نگاران چپ و مدافعان حقوق بشر ربوده شدند و ارتش به مقابله با فعالین اتحادیه‌های

کارگری اعزام شد. حکومت راجاپاکسا، با استفاده از قانون "پیشگیری از تروریسم" به پلیس و ارتش امتیازات بیش‌تری بخشید تا جوانان تأمیلی و کارگران استان‌های شمالی و شرقی را دستگیر و بدون محاکمه در بازداشت نگاه دارند. لیکن پس از انتخابات ۲۰۱۵، اجرای سیاست‌های ریاضت اقتصادی، خصوصی‌سازی‌های گسترده، افزایش مالیات بر ارزش افزوده از ۱۱ درصد به ۱۵ درصد برای پرداخت وام سه ساله صندوق بین‌المللی پول، ثابت ماندن ۳۷ درصدی نرخ اشتغال، افزایش قیمت مواد غذایی در دوران حکومت ائتلافی، بار دیگر خشم کارگران و تهیستان شهری را برانگیخت. طبق آمار، اعتصاب در بخش خصوصی از سالانه ۵۰ هزار روز کاری در سال‌های ۲۰۱۴ - ۲۰۱۲ به سالانه ۸۰ هزار روز کاری در فاصله سال‌های ۲۰۱۸ - ۲۰۱۵ افزایش یافت. در تابستان ۲۰۱۸ کارگران راه‌آهن برای افزایش دستمزدها اعتصاب کردند. در اکتبر کارگران نفت حکومت را تهدید کردند در صورت ادامه فروش نفت به "کمپانی نفت هندوستان" اعتصاب خواهند کرد.

در نتیجه این شرایط، در انتخابات شهرداری‌ها و شوراهای شهری در فوریه ۲۰۱۸، دو حزب "آزادی سری لانکا" و "متحد ملی" از حزب جدیدالتاسیس راجاپاکسا، موسوم به "حزب خلق سری لانکا" شکست سختی خوردند. راجاپاکسا طی دوره زمامداری خود، گرچه به بسیاری از وعده‌هایش عمل نکرد، اما با پایان بخشیدن به جنگ داخلی و دولتی‌سازی (حدود دو برابر طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ در مقایسه با دوره پیش از خود) به رغم کسری بودجه، اقشاری از مردم را به سوی خود جلب کرده بود. تنها سه سال بعد، وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی همراه با تشدید اجرای سیاست‌های ریاضت اقتصادی و خصوصی‌سازی شتابان توسط حکومت ائتلافی، باز مردم را به سوی او و حزب راست افراطی‌اش جلب کرد. از همین رو بود که سیرینسا، در پی آن بود تا با پایان بخشیدن به ائتلاف خود با حزب متحد ملی، و انداختن بار وخامت اوضاع اقتصادی بر عهده این حزب، بار دیگر یار دیرینه‌اش، راجاپاکسا، را بر مسند نخست‌وزیری بنشاند.

علاوه بر بحران سیاسی، سری لانکا در بحران اقتصادی نیز به سر می‌برد. درآمد ۴۵ درصد از مردم کمتر از ۵ دلار در روز است؛ در برخی نقاط تا ۲۸ / ۸ درصد آنان زیر خط فقر زندگی می‌کنند؛ ۲۲ / ۱ درصد، به ویژه کودکان، دچار سوءتغذیه‌اند؛ ۸۵ درصد از مردم سری لانکا در روستاها زندگی می‌کنند بدون دسترسی به کودکستان؛ مدارس این روستاها فاقد آموزش مناسب هستند؛ در نتیجه، ۲۷ / ۷ درصد جوانان بین ۱۵ تا ۲۴ سال از تحصیل یا کسب مهارت‌های فنی برای اشتغال در آینده بازمانده‌اند؛ ۴ / ۴ درصد مردم به برق دسترسی ندارند.

یکی دیگر از معضلات سری لانکا حجم عظیم بدهی‌های خارجی‌اش است. این کشور اکنون ۷۷ درصد تولید ناخالص داخلی خود، یعنی ۵۵ میلیارد دلار بدهی دارد که قرار است حداقل ۱۷

میلیارد از آن را بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ بازپس دهد. این امر به معنای اجرای شدیدتر سیاست‌های ریاضتی است که باز هم بر گرده کارگران و زحمتکشان فشار بیش‌تری را وارد خواهد آورد.

به جز معضلات سیاسی و اقتصادی، مردم سری لانکا از تبعیض قومی و دینی نیز در رنج‌اند. بیش از ۷۰ درصد از جمعیت سری لانکا را بودایی‌ها، عمدتاً سینهالی، ۱۳ درصد را هندوها، عمدتاً تأمیلی، کمتر از ۱۰ درصد را مسلمانان و ۷ درصد را مسیحیان (سینهالی و تأمیلی) تشکیل می‌دهند. از سال ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۹، شورشیان هندو (ببرهای تأمیل) برای استقلال سرزمین‌های خود جنگیدند. جنگی که ۸۰ هزار قربانی بر جای گذاشت. این جنگ در سال ۲۰۰۹ پایان یافت، اما اختلافات و درگیری‌های مذهبی هیچ‌گاه در سری لانکا پایان نیافت. در سال ۲۰۱۴، طی شورش‌های ضد مسلمانان دست کم ۴ نفر کشته و ۸۰ نفر مجروح شدند. در شورش سال ۲۰۱۸، بودایی‌های افراطی، مساجد، مغازه‌ها و خانه‌های مسلمانان را به آتش کشیدند که منجر به مرگ دو تن و آوارگی ۸ هزار مسلمان و ۲ هزار سینهالی شد. دولت پس از این حملات، دوازده روز وضعیت اضطراری اعلام کرد.

اعلان حادثه تروریستی اخیر در سری لانکا، نیز اسلام‌گرایان بنیادگرا بوده‌اند، اما بنیادگرایی و تروریسم کور و ددمنشانه تنها به اسلام‌گرایان محدود نیست. یکی از پدیده‌هایی که امروز در سراسر دنیا جان و امنیت مردم را به مخاطره انداخته است، تروریسم در شکل فردی یا سازمان‌یافته از سوی فاشیست‌ها، نژادپرستان، ناسیونالیست‌ها و بنیادگرایان دینی است. پدیده‌هایی حاصل دوران گنبدگی و زوال سیستمی که در بحرانی همه‌جانبه فرو رفته است، اما نه می‌تواند به تضادها و بحران‌های موجود، در چارچوب این نظم پاسخی ولو موقتی دهد و نه طبقه‌ای که رسالت براندازی این نظم و برقراری نظمی عالی‌تر را دارد در وضعیتی است که بتواند رسالت طبقاتی خود را به انجام برساند.

در چنین شرایطی بحران سیاسی به درون طبقه حاکم کشیده می‌شود و این طبقه دیگر را از ادامه حیات با تکیه بر ایدئولوژی خود ناتوان می‌سازد. در نتیجه بحرانی ایدئولوژیک بر مجموعه بحران‌های موجود افزوده می‌شود و راه بر پیدایش و رشد جنبش‌های ارتجاعی گشوده می‌شود تا تضاد اصلی جامعه یعنی تضاد طبقاتی به حاشیه رانده شده و اختلافات دینی، ملیتی و نژادی بر آن سایه افکنند. از این‌روست که امروزه در تمام کشورها از آمریکا گرفته تا اروپا، از آسیا تا آفریقا، شاهد رشد جنبش‌های واپسگرا هستیم. جنبش‌هایی که اگر در آمریکا و اروپا به شکل احزاب راست افراطی نژادپرست و مهاجرستیز خودنمایی می‌کند در کشوری مانند سری لانکا جامه بنیادگرایی دینی و قومی را بر خود می‌پوشاند و حتا در کشوری مانند عراق به شکل جنگ‌های خونین بین فرقه‌های یک دین درمی‌آید.

تاکنون، پاسخ دولتی که از پیش از طرح حمله و هویت تروریست‌ها مطلع بوده و اقدامی برای جلوگیری از آن نکرده است، اعلام وضعیت اضطراری و دستگیری نزدیک به ۸۰ تن بوده

آیا جمهوری اسلامی به مذاکره با آمریکا تن می‌دهد؟

ایران نسبت به دو بازه زمانی پایان جنگ ایران و عراق و شرایط پیش از مذاکرات "برجام" باز هم بحرانی تر کرده است. با این همه و به رغم شرایط وخامت باری که اکنون گریبان طبقه حاکم را گرفته است، این سؤال پیش می‌آید که آیا جمهوری اسلامی برای برون رفت از وضعیت موجود به مذاکره با آمریکا تن خواهد داد؟ پاسخ به این پرسش کمی نیاز به توضیح دارد.

اینکه جمهوری اسلامی ایران بنا به خصلت مذهبی و ایدئولوژیک خود به سادگی نمی‌تواند از سیاست توسعه طلبانه و پان اسلامیتی خود دست بردارد، هیچ بحثی در آن نیست. و باز اینکه مسئولان جمهوری اسلامی طی چهار دهه به طور مستمر از آمریکا به عنوان "شیطان بزرگ" نام برده اند و همواره با سردادن شعار "مرگ بر آمریکا" بر دشمنی خود با این کشور تاکید داشته اند، باز هم جای هیچ بحثی در آن نیست. اما همین حکومت، دست کم در دو بازه زمانی معین نشان داده است که اگر در شرایط ویژه ای قرار بگیرد که موجودیتش با خطر مواجه گردد، مجبور به پذیرش مذاکره و واقعیت های سرسختی خواهد شد که سال ها از آن دوری جسته است. از این نظر مذاکره با آمریکا نیز یکی از همین واقعیت ها است که به رغم هزینه های سنگین سیاسی که برای جمهوری اسلامی به همراه دارد، هیات حاکمه ایران دیر یا زود مجبور است تا در یک مقطع معین به این واقعیت تن در دهد. با این همه آنچه محتمل است این اتفاق تا پایان دوره اول ریاست جمهوری دونالد ترامپ رخ نخواهد داد. به رغم اینکه جمهوری اسلامی اکنون با یکی از رژف ترین بحران های سیاسی و اقتصادی دوران حاکمیت خود مواجه است، بحرانی که دست کم تعدیل و یا حل موقت آن در گرو مذاکره و سازش با آمریکا است، اما جمهوری اسلامی هنوز به سیاست "از این ستون تا آن ستون فرجی است"، دخیل بسته است. هیات حاکمه ایران تلاش می‌کند تا به هر شکلی که شده این شرایط بحرانی را تا دو سال تحمل کند. بدان امید که شاید تا دو سال دیگر ترامپ از کاخ سفید برود و با روی کار آمدن یک رئیس جمهور دمکرات، مفری تازه برایش باز شود. مستننا از اینکه این محاسبه سیاسی جمهوری اسلامی درست از آب در بیاید یا نه، تا آن زمان هر دو طرف نزاع سعی دارند تا از بروز هرگونه برخورد نظامی با یکدیگر پرهیز کنند.

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی که این روزها در آمریکا بسر می‌برد، طی مصاحبه های متعدد با رسانه های آمریکایی از جمله شبکه فاکس نیوز تلاش کرده است تا زبان دیپلماسی را جایگزین هرگونه ادبیات تنش زای نظامی کند. ظریف روز سه شنبه ۲۳ آوریل در یک گفتگوی اختصاصی با شبکه فاکس نیوز، شبکه مورد علاقه ترامپ گفته که از نظر او ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا می‌خواهد به قول انتخاباتی خودش که همانا پرهیز از جنگ و لشکرکشی است، وفادار بماند. سیاستی که خود ترامپ نیز بارها بر آن تاکید داشته است.

به رغم اینکه جمهوری اسلامی در وضعیت کنونی با در پیش گرفتن سیاست "از این ستون به آن ستون فرجی است" در انتظار آینده ای نامعلوم است، اگر این رویای جمهوری اسلامی متحقق نشود و ترامپ در دور دوم نیز در کاخ سفید باقی بماند، طبیعتا هزینه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این دفع الوقت کردن انجام مذاکره با آمریکا برای حاکمان اسلامی باز هم سنگین تر خواهد شد. مضافا اینکه در این میان عامل دیگری هم وجود دارد که برای هر دو طرف نزاع عنصر بسیار تعیین کننده است و آن تعمیق و گسترش مبارزات کارگران و توده های زحمتکش ایران است. جمهوری اسلامی تاکنون بارها نشان داده است که برای سد کردن مبارزات مردم ایران حاضر است دست همکاری به هر "دشمن" خارجی بدهد. از آنجاییکه کینه و عداوت جمهوری اسلامی در دشمنی با طبقه کارگر و عموم توده های زحمتکش مردم ایران بیشتر از دشمنی با دولت آمریکا است و آمریکا نیز در دشمنی با طبقه کارگر و قدرت گیری این طبقه و عموم توده های مردم ایران دست کمی از جمهوری اسلامی ندارد، پوشیده نیست که علاوه بر شرایط وخامت بار اقتصادی جمهوری اسلامی، وضعیت مبارزاتی کارگران و زحمتکشان ایران نیز عامل تعیین کننده ای در سرعت بخشیدن یا به تعویق انداختن زمان تصمیم گیری هیات حاکمه ایران برای نشستن در پای میز مذاکره با آمریکا خواهد بود. در هر صورت آنچه مسلم است، در وضعیتی که اکنون جمهوری اسلامی در آن قرار دارد، این رژیم نمی‌تواند تا زمانی طولانی از مذاکره با آمریکا سر باز زند و همچنان به شرایط استیصال کنونی ادامه دهد.

پیش بسوی برگزاری هرچه باشکوه‌تر مراسم اول ماه مه پیش بسوی تجمعات و اعتراضات خیابانی

طبقه کارگر و کل جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان را گامی جلوتر ببرد و در عین حال جایگاه یگانه و منحصر به فرد خود را در مبارزه علیه ارتجاع حاکم و تمام نظم موجود، مستحکم‌تر سازد.

اول ماه مه فرصت مناسب دیگری است که کارگران ایران به یک مبارزه متحد و سراسری علیه نظم موجود بپا خیزند. سایر زحمتکشان و فرودستان جامعه نیز به نقش تعیین کننده طبقه کارگر در این مصاف پی برده و دریافته‌اند که تنها در اتحاد با طبقه کارگر است که می‌توانند مبارزات سراسری موثرتری را سازمان دهند و به خواست‌های خود برسند. چرا که تنها طبقه کارگر است که به عنوان یک نیروی سراسری از استعداد و اقتدار و توانایی شکل دادن به یک جنبش سراسری علیه نظم موجود برخوردار است. این طبقه کارگر است که می‌رود روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر را به روز مبارزه و اعتراض همگانی کارگران و زحمتکشان علیه نظم موجود تبدیل کند.

کارگران مبارز ایران!

اول ماه مه روز شما کارگران و روز جهانی کارگر است. بیابید در اول ماه مه همه با هم دست از کار بکشیم، کار را تعطیل کنیم، تمام ماشین‌ها را خاموش و تولید را متوقف سازیم و به ندای بخش پیشرو طبقه کارگر پاسخ مثبت دهیم. با پرچمها و شعارهای مستقل کارگری وارد خیابان‌ها و میدانی و جاده‌ها شویم و یکبار دیگر اتحاد و همبستگی خود با کارگران سراسر جهان در پیکار و رزم مشترک علیه نظام سرمایه‌داری را به نمایش بگذاریم.

بیابید در اول ماه مه اراده واحد طبقاتی خود را برای نابودی هر گونه ستم و استثمار و بهره‌مکنشی و استقرار نظامی عاری از ستم و استثمار و نابرابری به نمایش بگذاریم. بیابید تا با گام‌های استوار و مارش ظفرنمون خویش زمین زیر پای سرمایه‌داران را به لرزه اندازیم.

زنده باد اول ماه مه!

پیش به سوی برگزاری هر چه باشکوه‌تر اول ماه مه!

پیش به سوی تجمعات و اعتراضات خیابانی!

این بار مردم سری‌لانکا قربانی اسلام‌گرایان تروریست شدند

دیگر در عراق و افغانستان، یا فرانسه و انگلیس و... تا روزی که طبقه کارگر، بورژوازی را به زیر کشد و نظامی برقرار کند که در آن کشمکش‌ها و تبعیض‌های دینی و ملی و نژادی و جنسیتی جایی نداشته باشند.

پناه گرفته‌اند. تاریخ اخیر سری‌لانکا نشان می‌دهد، تا زمانی که نظام موجود همراه با تضادها و بحران‌هایش به حیات خود ادامه می‌دهد، این چرخه خشونت و خونریزی نیز ادامه دارد و همچنان، از میان مردم بی‌دفاع قربانی می‌گیرد. روزی در سری‌لانکا، روزی

است. همچنین در یکی از حملات پلیس و نیروهای امنیتی به خانه تروریست‌ها، ۱۶ تن کشته شدند که ۱۰ تن از آنان از همسایگان یا رهگذران بوده‌اند. حمله ددمنشانه اخیر تنها دامنگیر مسیحیان نشده است. هم‌اکنون بسیاری از مسلمانان نگویم از ترس انتقام‌جویی و نیز حملات پلیس در مساجد

نگ تن دادن به زندگی ذلت‌بار و برده‌وار را نباید پذیرفت

سال گذشته که ترامپ خروج از برجام را اعلام کرد، این رقم دو و نیم میلیون بشکه در روز بود. هم اکنون در پی پایان معافیت‌ها، این رقم به پانزده میلیون بشکه در روز کاهش یافته است. معضل جمهوری اسلامی در ارتباط با تحریم‌ها، اما صرفاً از بابت کاهش صدور نفت نیست، بلکه عواقب اقتصادی قرار گرفتن سپاه پاسداران در لیست تروریسم دولت آمریکا است. چراکه با توجه به نقش سپاه در اقتصاد ایران، مبادلات اقتصادی دولت‌ها و شرکت‌های کشورهای دیگر با جمهوری اسلامی از ترس مجازات دولت آمریکا بسی دشوارتر خواهد شد. با این اقدام دولت آمریکا به نظر می‌رسد که حتی تلاش‌های اروپا برای یاری‌رساندن به جمهوری اسلامی نیز با بن‌بست مواجه شده است. نماینده ویژه دولت آمریکا در امور ایران در گفتگو با دوپچه‌پوله آشکارا تهدید کرده است که اگر شرکت‌های اروپایی با ایران کار کنند، احتمال اینکه طرف آن‌ها شرکتی وابسته به سپاه پاسداران باشد بسیار زیاد است. این همه بدان معناست که در سال جاری اوضاع اقتصادی در ایران بسیار فراتر از آنچه که قبلاً تصور می‌شد، وخیم خواهد شد.

در قبال این اوضاع و چشم‌انداز آن، واکنش جمهوری اسلامی تاکنون چه بوده و چه می‌تواند بکند؟ حقیقت این است که جمهوری اسلامی نه واکنشی جدی داشته است و نه راحلی برای مقابله با فشارهای اقتصادی و سیاسی دولت آمریکا. این واقعیت روشن است که هدف دولت آمریکا از قرار دادن سپاه پاسداران در لیست گروه‌های تروریست، نه مقابله‌ای نظامی بلکه سیاسی و مهملتر از آن اقتصادی، برای مسدود کردن راه‌های ارتباطی جمهوری اسلامی برای صادرات و واردات و در کل، مبادلات اقتصادی و مالی است. این اقدامی هدفمند در راستای تحقق سیاست دولت آمریکا علیه جمهوری اسلامی است.

واکنش جمهوری اسلامی در قبال قرار دادن سپاه در لیست تروریست‌ها، مصوبه مجلس بوده است که اعلام می‌کند: "فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) و نیروها، سازمان‌ها و نهادهای تحت اختیار این فرماندهی تروریست‌اند" این واکنش چه هدفی را دنبال می‌کند؟ آیا در خدمت یک هدف نظامی، اقتصادی و سیاسی معین است؟ پاسخ منفی است. جمهوری اسلامی قصدی برای درگیری نظامی با آمریکا ندارد. پیش‌از این خامنه‌ای صریحاً اعلام کرده بود که جنگی رخ نخواهد داد. وزیر خارجه جمهوری اسلامی هم چند روز پیش در آمریکا گفت نه ترامپ قصد جنگ دارد و نه جمهوری اسلامی. ناگفته روشن است که جمهوری اسلامی توان رویارویی سیاسی و یا اقتصادی با آمریکا را نیز ندارد. بنابراین آنچه می‌توان گفت، این موضع‌گیری صرفاً یک اقدام واکنشی و نمایشی است و در خدمت هدف معینی قرار ندارد.

اما جمهوری اسلامی برای مقابله با تحریم‌ها و تشدید فشارهای اقتصادی، چه کرده و چه

می‌تواند بکند؟ خامنه‌ای که گویا برای مردمی از همه‌جانبی‌خبر حرف می‌زند، اخیراً در یکی از سخنرانی‌های خود، نخست یکی دیگر از توپ‌های توخالی همیشگی‌اش را شلیک کرد و گفت: "دشمنی‌های شما بی‌پاسخ نخواهد ماند و ملت ایران، ملتی نیست که علیه او کار و توطنه کنند و او بنشیند و تماشا کند." بعد هم گویی که اتفاق خاصی نیفتاده، می‌افزاید: "قطعاً این تلاش آمریکایی‌ها هم به‌جایی نمی‌رسد و جمهوری اسلامی هر مقدار لازم داشته باشد و اراده کند، نفت صادر خواهد کرد." البته اگر "ملت" و مسئولان از "اراده کنند. اما کدام "ملت"؟ اگر منظور از "ملت"، در معنای عامیانه آن، مردم کشور باشند، آن‌ها منت‌هاست که به جمهوری اسلامی پشت کرده‌اند. این را با مبارزات روزمره خود به‌وضوح نشان داده‌اند. این "ملت" دیگر حاضر نیست در خدمت به ارتجاع حاکم بر ایران، اراده خود را به کاربندند. خامنه‌ای هم این را می‌داند. بنابراین وقتی که از "ملت" حرف می‌زند، منظور او مردم ایران نیست. او در واقع می‌گوید ملت یعنی اراده جمهوری اسلامی. اراده این "ملت" هم تا به امروز، چنانچه دیده‌ایم، جز فقر و بدبختی برای عموم توده‌های کارگر و زحمتکش و ویرانی کشور نتیجه‌ای نداشته است. وقتی که خامنه‌ای می‌گوید: "جمهوری اسلامی هر مقدار لازم داشته باشد و اراده کند، نفت صادر خواهد کرد." ادعای بی‌مقدار و بی‌پایه او دست‌کمی از حرف‌های نماینده او در نماز جمعه تهران ندارد که دو هفته پیش گفت: "خداوند با فشارهای بین‌المللی می‌خواهد امتحانات کند، چرا نگرانید که تحریم باشد و تشدید شود؛ به جهنم که تشدید شود."

تحریم‌ها، شرایط مادی و معیشتی مردم را به مقیاس بی‌سابقه‌ای وخیم کرده است. جمهوری اسلامی که خود در ایجاد این تحریم‌ها نقش داشته و دارد، می‌کوشد تمام بار آن را بر دوش کارگران و زحمتکشان قرار دهد. تحریم نفت، بحران اقتصادی را نیز به منتهای درجه عمیق کرده است. علاوه بر این، کاهش درآمد نفت، بحران مالی دولت را چنان تشدید کرده که حتی پیش از تحریم‌های اخیر دولت آمریکا، رئیس سازمان برنامه‌بودجه گفت: تحریم‌های نفتی ایران از سوی آمریکا باعث شده جمهوری اسلامی در حوزه صادرات نفت "به‌شدت دچار مشکل" باشد و پیش‌بینی دولت در بودجه ۹۷ درباره میزان صادرات و درآمد حاصل از فروش نفت به نسبت شرایط فعلی به‌شدت فاصله گرفته است. به‌گونه‌ای که از ۲ میلیون و ۴۱۰ هزار بشکه نفت که برای هرروز در سال ۱۳۹۷ که ۴۷ میلیارد دلار درآمد نفتی در بودجه سال جاری پیش‌بینی شده بود؛ در حال حاضر به‌شدت فاصله گرفته‌ایم. در چند روز اخیر نیز رئیس‌کل بانک مرکزی و سازمان برنامه‌بودجه خواستار اقدامات عاجل دولت برای مقابله با کاهش صادرات نفت و وخامت اوضاع اقتصادی و مالی شده‌اند.

اگر آنگونه که مقامات رژیم اعتراف می‌کنند،

نفت در اقتصاد ایران در آن حد است که تحریم آن، همه ارکان اقتصادی را تحت تأثیر شدید قرار داده، نه‌فقط شرایط زندگی توده‌های کارگر و زحمتکش را بی‌نهایت وخیم کرده، رکود اقتصادی را به منتهای درجه عمیق ساخته است و با وابستگی شدید بودجه به نفت، دولت را نیز با بحران مالی جدی مواجه کرده است، این دیگر یک رسوایی تام و تمام برای طبقه حاکم رانت‌خوار نفتی و جمهوری اسلامی است.

صدسال پیش که ایران یک کشور عقب‌مانده نیمه فئودال- نیمه سرمایه‌داری بود، نه مایحتاج روزمره مردم وابسته به یک محصول خاص بود و نه یک قدرت امپریالیست می‌توانست چنین نقش مخرب بزرگی در اوضاع اقتصادی جامعه بازی کند. اکنون اما پس از گذشت بیش از نیم‌قرن از سلطه شیوه تولید سرمایه‌داری در ایران، نمتنها تأمین وسایل معاش مردم وابسته به صادرات نفت و درآمدهای آن شده است، بلکه یک قدرت امپریالیست نیز دقیقاً از زاویه نقش همین نفت در اقتصاد، می‌تواند کل اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار دهد. این است ثمره چهل سال حاکمیت جمهوری اسلامی و سیاست‌های آن بر ایران.

اما اکنون که کار به این مرحله رسیده است، جمهوری اسلامی در تدارک اجرای چه سیاستی است؟ رئیس‌کل بانک مرکزی، سیاست و راحل رژیم را برای مقابله با اوضاع از هم‌گسیخته اقتصادی موجود، چنین توضیح می‌دهد:

"همانگونه که قبلاً تأکید کردم امسال برای کشور سالی سرنوشت‌ساز است. لذا بایستی سیاست‌های اقتصادی و نحوه اداره کشور بر اساس اداره مطلوب این جنگ اقتصادی و کاهش فشار به مردم طراحی و به اجرا درآید. بایستی همه دولت را در نیل به موفقیت یاری کنند." اما "اداره مطلوب این جنگ اقتصادی" چگونه است و با کدام ابزارها می‌خواهد از طریق "کاهش فشار به مردم طراحی و به اجرا درآید" رئیس‌کل بانک مرکزی پاسخ می‌دهد:

"صادرات غیرنفتی باید بیش از گذشته تشویق شود. بانک مرکزی سیاست‌های ارزی خود را در راستای تشویق بیشتر صادرکنندگان به برگرداندن ارز خود به چرخه اقتصاد تدوین خواهد کرد."

نخستین سؤال این است که چه چیزی به‌فرویت امکان صادر کردن و برگرداندن ارز را دارد؟ گوشت، مرغ، تخم‌مرغ، انواع و اقسام میوه و سبزی‌ها و مواد غذایی به کشورهای همسایه. اما پوشیده نیست که این صادرات نه مشکل‌گشای بحران عمیق اقتصادی است و نه در خدمت کاهش فشار به مردم. بالعکس دقیقاً صدور همین کالاهاست که در چند ماه گذشته به افزایش چشم‌وار بهای آن‌ها انجامیده است و تنها نتیجه‌ای که ادامه این سیاست برای توده‌های کارگر و زحمتکش خواهد داشت، گرانی و کمیابی این کالاها و افزایش نرخ تورم خواهد بود. سود آن‌هم به جیب سرمایه‌داران بخش کشاورزی و دامپروری و دلالانی می‌رود که همواره از این آشفتن‌بازار بهره می‌برند. اما در مورد بازگرداندن ارز برای حل مشکلات دولت و سرمایه‌داران رشته‌های دیگر نیز باید گفت، مصوبه اخیر هیئت دولت این بازگرداندن ارز را

اطلاعیه مشترک نیروهای چپ و کمونیست در پشتیبانی از تجمع‌های اعتراضی سراسری معلمان ایران

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، طی اطلاعیه‌ای به تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۹۸ در آستانه روز معلم، فرهنگیان سراسر کشور را به تجمع سراسری در راس ساعت ۱۰ صبح پنجشنبه دوازدهم اردیبهشت فراخوانده است. این فراخوان ضمن این‌که تصویری از شرایط کنونی جامعه ایران که در آن گرانی و تورم زندگی را برای اکثریت زحمتکشان سخت‌تر کرده است ارائه می‌دهد، اشاره دارد که حقوق و درآمد معلمان سختی با قیمت‌های نجومی ندارد و معلمانی که در گذشته مجبور به کار در شغل دوم و سوم بودند، بخاطر بیکاری گسترده باید به اتکا حقوق ناچیز معلمی از پس هزینه‌های هنگفت برآیند، که این امر با توجه به سیر نجومی قیمت‌ها سخت‌تر از هر زمانی گذشته است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ضمن تیریک فرا رسیدن روز معلم و روز جهانی کارگر به تمام معلمان و کارگران ایران بار دیگر عزم و اراده معلمان بر ادامه مبارزه تا تحقق خواسته‌هایشان را اعلام کرده‌اند. شورای هماهنگی در این فراخوان بار دیگر بر خواسته‌های معلمان از جمله: بهینه‌سازی آموزش در مدارس، توقف خصوصی‌سازی آموزش، حق تشکیل‌یابی مستقل، رفع موانع ناشی از اعمال سلیقه‌ای و فراقانونی در مسیر فعالیت‌های قانونی تشکلهای صنفی فرهنگیان، ایجاد بیمه کارآمد برای فرهنگیان، اجرای دقیق مصوبه‌ی نظام پرداخت هماهنگ حقوق و دستمزد و دفاع از حقوق معلمان بخش خصوصی، آزاد و خرید خدمت تأکید کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی در طول چهار دهه از حاکمیت خود اگر از یک طرف با دخالت دادن مذهب در امر آموزش و پرورش تلاش کرده تا مدارس و دانشگاه‌ها را به مرکز ترویج جهل و خرافه مذهبی تبدیل کند، از طرف دیگر با دخالت‌های پلیسی در نهاد آموزش و پرورش و پاکسازی‌های سیاسی و ایدئولوژیک و تحت فشار قرار دادن زندگی و معیشت معلمان ایران و با خصوصی‌سازی‌ها ضربات جبران‌ناپذیری به امر آموزش و پرورش در این جامعه وارد آورده است.

برپایی تجمع اعتراضی سراسری معلمان و فرهنگیان در شرایطی که هر روزه شاهد اعتصابات و اعتراضات کارگری و دیگر اقتضای فرودست جامعه هستیم، بخشی از اعتراضات اجتماعی گسترده‌ای است علیه شرایط نابسامان اقتصادی و فقر و فلاکتی که بر معلمان و کارگران و اقشار کم درآمد جامعه تحمیل شده است. بدون شک اعتراض سراسری معلمان در شرایط کنونی بر فضای سیاسی جامعه تأثیر گذاشته و جنبش اعتراضی علیه جمهوری اسلامی را به جلو می‌برد. ما نیروهای امضاکنده این اطلاعیه از تجمع‌های اعتراضی سراسری معلمان و فرهنگیان در روز پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت حمایت می‌کنیم و از کارگران و مردم مبارز و آزادیخواه می‌خواهیم به هر طریقی که می‌توانند از اعتراضات حمایت کنند. ما همه نیروهای سیاسی و انسانی‌های آزادیخواه را فرامی‌خوانیم که صدای معلمان در فراخوان تجمع سراسری‌شان در آستانه روز معلم باشند.

پیروز باد جنبش معلمان و دانش‌آموزان سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت

ارتجاعی حاکم است که ربطی به خواست و منافع توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ندارد، اما هزینه‌های آن را بر سر توده مردم آوار می‌کند. تجربه جنگ ارتجاعی دولت‌های ایران و عراق به‌وضوح نشان داد که مردم گوشت دم توپ و قربانی اهداف و مقاصد دو دولت ارتجاعی شدند که یکی برای ژاندارمی منطقه و دیگری برای فتح کربلا و گشودن راه قدس، ۸ سال میلیون‌ها تن از مردم دو کشور را کشتند و معلول کردند و ویرانی‌های عظیمی به بار آوردند و سرانجام هم که زورشان به یکدیگر نرسید، باهم آشتی کردند. ماجرای نزاع و جنگ به‌اصطلاح اقتصادی دو دولت ارتجاعی جمهوری اسلامی و آمریکا هم بر همین منوال است. آن‌ها به خاطر اهداف توسعه‌طلبانه و برتری‌طلبانه در خاورمیانه با یکدیگر وارد درگیری و نزاع شده‌اند، اما فشار هزینه آن را به‌ویژه به توده‌های کارگر و زحمتکش ایران

تحمیل کرده‌اند و سرانجام هم روزی به سازش و آشتی با یکدیگر می‌رسند. فقط در این میان توده‌های زحمتکش مردم‌اند که قربانی اهداف و مقاصد ارتجاعی آن‌ها شده‌اند. بنابراین دو راه بیشتر در مقابل توده‌های مردم ایران وجود ندارد، یا تجربیات خود را به کار می‌بندند و برای نجات خود به طغیان و قیام علیه ستمگرانی برمی‌خیزند که آن‌همه مصیبت به بار آورده‌اند و از شر فجایع آن‌ها نجات می‌یابند، یا منفعلانه نظارمگر اوضاع می‌مانند، به وضع موجود تمکین می‌کنند، تن به ذلت و خواری در چنگال ستمگران می‌دهند و به زندگی بردم‌وار با فقر و گرسنگی هولناکی که در شان یک انسان نیست، ادامه می‌دهند. طبقه کارگر ایران همان‌گونه که با مبارزات قهرمانانه خود به‌ویژه در یک سال اخیر نشان داده است، قطعاً ننگ تن دادن به این زندگی ذلت‌بار و برده‌وار را نخواهد پذیرفت.

ننگ تن دادن به زندگی ذلت‌بار و برده‌وار را نباید پذیرفت

منتفی اعلام نموده است و سرمایه‌داران می‌توانند برای کسب سود بیشتر، کالاهای دیگری را وارد کنند. درنهایت اگر ارزش ناشی از صدور کالا را هم به کشور بازگردانند می‌توانند با بورس‌بازی، سود کلانی از این بابت به جیب بزنند، همان‌گونه که در سال گذشته کردند. اما هنوز ماجرای ادعای "کاهش فشار به مردم" با سیاست دولت، پایان نیافته است. رئیس بانک مرکزی ادامه می‌دهد:

"هر مقدار کاهش در صادرات نفت و معادل ریالی درآمد دولت باید به‌فوریت از طریق صرفه‌جویی و کاهش هزینه‌ها و یا جبران آن از طریق سایر درآمدها و پارانه‌های پنهان جبران شود." بر طبق این سیاست، به هر میزان که درآمد دولت کاهش می‌یابد باید اولاً از طریق صرفه‌جویی و کاهش هزینه‌ها جبران گردد. روشن است که هزینه‌های نیروهای مسلح، بوروکراسی و دهک‌های رنگارنگ نهادهای مذهبی و هزینه‌های توسعه‌طلبی پان‌اسلامیست نمی‌تواند کاهش یابد، چون همین امسال هم که با مشکل تأمین هزینه‌ها مواجه بودند، بخشی از صندوق توسعه ملی را به نیروهای مسلح اختصاص دادند، تا هزینه‌های تقویت آن تأمین گردد. بر طبق این سیاست آنچه می‌تواند و باید در آن‌ها صرفه‌جویی شود، آن هزینه‌هایی است که اندکی مردم هم سهمی در استفاده از آن‌ها دارند. هزینه‌های آموزش، بهداشت و درمان، هزینه‌های عمرانی، مسئله حقوق و دستمزدها، اشتغال. ثانیاً سایر درآمدها مشتمل خواهد بود بر تمام منابعی که دولت به بهانه‌های مختلف مردم را سرو کپسه کند، جرائم و عوارض مختلف، حراج دارایی‌های عمومی و درنهایت صدور اوراق قرضه و گذاشتن بار این بدهی بر دوش مردم. سرانجام می‌رسیم به ماجرای پارانه‌های پنهان. این دیگر چه صیغه‌ای است؟ این هم بهانه‌ای است برای افزایش بهای کالاها، به‌ویژه کالاهای در انحصار دولت. یک نمونه آن بنزین است که از هم‌اکنون زمزمه‌های افزایش آن را سر داده‌اند. بنابراین تمام آنچه که ادعا می‌شد به خاطر "کاهش فشار به مردم طراحی و اجرا خواهد شد" علیه مردم و منافع آن‌ها از کاردرآمده و از بابت این سیاست نیز توده مردم زیر فشار بیشتری قرار خواهند گرفت و فقیرتر می‌شوند. پس روشن است که رژیم نه‌فقط هیچ راهحلی حتی در محدوده تعدیل بحران و کاهش فشار به مردم، در سال جاری ندارد، بلکه بالعکس این بحران عمیق‌تر خواهد شد. سیاست‌هایی که رئیس بانک مرکزی به‌عنوان سیاست‌های دولت اعلام کرده است، نرخ تورم را در ابعادی بی‌سابقه افزایش خواهد داد و کارگران و زحمتکشان با فقر هولناکی مواجه خواهند شد.

با این اوضاع، تکلیف توده‌های کارگر و زحمتکش چه خواهد بود؟ تجربه در این چهل سال دوران حاکمیت جمهوری اسلامی این درس را به توده‌های مردم ایران داده است که نزاع دولت‌های ارتجاعی بر سر اهداف و منافع اقتصادی و سیاسی طبقات

ننگ تن دادن به زندگی ذلت‌بار و برده‌وار را نباید پذیرفت

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 819 April 2019

نزاع دولت‌های آمریکا و جمهوری اسلامی بر سر اهداف توسعه‌طلبانه و برتری‌طلبانه در منطقه خاورمیانه که تاکنون خسارات سنگینی برای کارگران و زحمتکشان ایران به بار آورده، با اقدامات جدید دولت آمریکا وارد مرحله‌ای جدیدی شده است که عواقب وخامت بار بیشتری برای توده‌های مردم ایران در پی خواهد داشت. با پایان یافتن دوره معافیت هشت کشور خریدار نفت از ایران، صادرات نفت ایران باز هم کاهش خواهد یافت. بر طبق گزارش خبرگزاری رویترز، میانگین صادرات روزانه نفت ایران در ماه مارس ۲۰۱۹ بین یک تا یک‌میلیون و صد هزار بشکه بوده است. این رقم در ماه فوریه یک‌میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه در روز بود. یعنی در فاصله یک ماه بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافته است. در اردیبهشت‌ماه

در صفحه ۸

بحران مناسبات جمهوری اسلامی و دولت آمریکا باگذشت هرروز دامنه وسیع‌تری به خود می‌گیرد. در پی قرار گرفتن سپاه پاسداران ارتجاع اسلامی در لیست گروه‌های تروریست، دولت آمریکا در اقدامی دیگر، فشار اقتصادی بر جمهوری اسلامی را تشدید کرد. روز ۲ اردیبهشت کاخ سفید در بیانیه‌ای اعلام کرد: معافیت هشت کشور خریدار نفت ایران تمدید نخواهد شد.

این بیانیه می‌افزاید: "هدف از این تصمیم به صفر رساندن صادرات نفت ایران و محروم کردن رژیم این کشور از مهم‌ترین منبع درآمد آن و همچنین جلوگیری از اقدام‌های بی‌ثبات کننده جمهوری اسلامی در خاورمیانه است." وزیر خارجه آمریکا نیز گفت: فشارها بر رژیم ایران تا عادی شدن رفتار این کشور ادامه پیدا می‌کند.



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دوکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله تی‌وی / شورا تی‌وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰ پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:

دوشنبه: ۲۲ تا ۲۴

سه‌شنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

چهارشنبه: ۲۲ تا ۲۴

پنجشنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

جمعه: ۲۲ تا ۲۴

شنبه: ۲۲ تا ۲۳

شنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر
یکشنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی